

عدل

در کتاب و سنت

دکتر محمد بنی هاشمی

سرشناسه: بنی‌هاشمی، سید محمد، ۱۳۳۹
عنوان و نام پدیدآور: عدل در کتاب و سنت / سید محمد
بنی‌هاشمی.
مشخصات نشر: تهران: مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری:
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۳۹-۷۱۷-۱
وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا.
موضوع:
رده‌بندی کنگره:
رده‌بندی دیویی:
شماره کتابشناسی ملی:



شابک ۹۷۸-۹۶۴-۵۳۹-۷۱۷-۱ ۹۷۸-۹۶۴-۵۳۹-۷۱۷-۱ ISBN 978 - 964 - 539 - 717 - 1

عدل در کتاب و سنت

سید محمد بنی‌هاشمی

ناشر: مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر

نوبت چاپ: اول / ۱۴۰۰

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

صفحه‌آرایی: شبیر / ۷۷۵۲۱۸۳۶

چاپ: صبا

کلیه حقوق اعم از تکثیر، انتشار و بازنویسی (چاپی، صوتی، تصویری،

الکترونیکی و pdf) برای ناشر محفوظ است.



اینستاگرام:
monir_publisher

تهران، خیابان مجاهدین، چهارراه آبسردار، ساختمان پزشکان، واحد ۹
تلفن و فاکس: ۷۷۵۲۱۸۳۶ (۶ خط)

پست الکترونیک:
info@monir.com



کانال تلگرام:
telegram.me/monirpub

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقدیم به

آستان مقدس

«بنت ولیّ الله»

و «أخت ولیّ الله»

و «عمّة ولیّ الله»

حضرت فاطمه معصومه علیها السلام

به نیابت از

چهار هزار فرشته‌ای که در عاشورا برای یاری ابی‌عباس علیه‌السلام فرود آمدند

و تا قیام قائم آل محمد صلی الله علیه و آله در حرم مطهرش عزادار اویند

و هنگامه‌ی ظهور با شعار «نشرات حسین علیه‌السلام» یاری اش می‌کنند.

فهرست مطالب

۱۹	پیش‌گفتار
۲۱	مقدمه: اساس دین
۲۱	اصل توحید
۲۲	اصل عدل
۲۲	وجوب و حرمت عقلی و شرعی
۲۳	نسبت ندادن گناهان به خداوند
۲۳	متهم نکردن خدای متعال
۲۴	اساس دین: توحید و عدل
۲۵	تفکیک عالم تکوین از عالم تشریح
۲۷	بخش اول: عدل و فضل الهی در عالم تکوین
۲۹	فصل ۱: معنای عدل و فضل الهی
۲۹	عدل به معنای «استواء»
۳۰	معنای عدل الهی در عالم تکوین
۳۳	عدل به معنای «قرار دادن هر چیز در جای خود»
۳۳	شمول عدل الهی در همه‌ی عالم
۳۴	عدل به معنای «رعایت حق»
۳۵	کاربرد این مفهوم عدل در احادیث

۳۷ فضل تکوینی: عطای بدون استحقاق
۳۷ جدا بودن معیار عدل و فضل
۳۹ فصل ۲: تحقّق عدل و فضل الهی در عالم تکوین
۳۹ خلق تکوینیات بر مبنای فضل الهی
۴۰ ابتدائی بودن نعمت‌های الهی
۴۲ معنای صحیح «جود» خداوند
۴۴ عمومیت عدل و فضل الهی در عالم خلقت
۴۵ مورد سؤال قرار نگرفتن خدا در کارهایش
۴۷ وجود «شر» در عالم تکوین
۴۹ تعارض نداشتن شرور تکوینی با عدل الهی
۵۰ منافات نداشتن شرور تکوینی با حکمت خداوند
۵۱ تفکیک شرور تکوینی از دو نوع شرّ دیگر
۵۵ فصل ۳: حکمت‌های بلایا و شرور تکوینی
۵۵ ظاهر دنیا: شادی، باطن دنیا: فریب
۵۶ بی‌ارزش و مبعوض بودن دنیا نزد خداوند
۵۷ محرومیت و دل‌کنده‌بودن اولیای خدا از دنیا
۵۸ دشمنی دنیا با دوستان و دشمنان خدا
۵۹ خالص و ماندگار نبودن خوشی‌های دنیا
۶۱ شیرینی و تلخی ظاهر و باطن دنیا
۶۳ تلخ‌کامی دنیا برای مؤمن
۶۴ خالص و کامل نبودن بهره‌ی مؤمنان از دنیا
۶۴ بلا، هدیه و تحفه‌ی خدا برای مؤمن
۶۶ بنده‌ی محبوب خدا، غرق در بلایا
۶۸ ارتقای معرفت مؤمن، حکمت دیگر بلایا
۶۹ امتحان خداوند با شرور تکوینی
۷۰ خارج ساختن تکبّر از دل‌ها به‌وسیله‌ی بلایا

فهرست مطالب □ ۹

۷۱ نعمت بودن بلا و مصیبت بودن آسایش
۷۳ آثار تربیتی و سازندگی بلایا
۷۵ جمع‌بندی حکمت‌های شرور تکوینی
۷۶ چهارده معصوم <small>علیهم‌السلام</small> در قلّه‌ی کمالات ناشی از بلایا
۷۹ بخش دوم: قدرت و مشیّت‌بندگان: ضامن عدل الهی
۸۱ فصل ۱: استطاعت
۸۱ علم انسان به افعال اختیاری و دواعی آن‌ها
۸۲ علم بلامعلوم نسبت به ماهیّت فعل و ترک
۸۳ علم بلامعلوم به دواعی فعل و ترک
۸۴ هم‌زمانی علم بلامعلوم با فعل یا ترک
۸۴ هم‌رتبه بودن علم و قدرت
۸۵ عینیّت قدرت با علم بلامعلوم نسبت به مقدورات
۸۶ ظرف و شرط اعطای قدرت
۸۷ استطاعت فعل و ترک
۸۹ استطاعت: فقط در زمان فعل یا ترک
۹۰ سبب وارد از خدا: علم و قدرت نسبت به فعل و ترک
۹۳ سرّ اصرار ائمه <small>علیهم‌السلام</small> بر نفی استطاعت قبل از فعل
۹۴ نبود استطاعت در حال نبود فعل
۹۵ تفاوت میان عدم فعل و ترک اختیاری
۹۶ استطاعت در هنگام ترک اختیاری فعل
۹۷ ترک فعل، نوعی فعل است
۹۸ تقدّم وجدانی استطاعت بر فعل
۹۹ تقدّم استطاعت بر تکلیف و عمل در احادیث
۱۰۱ فصل ۲: مشیّت (رأی)
۱۰۱ رأی: اختیار کردن
۱۰۲ قادر یا مالک رأی

- ۱۰۳ دو معنای متفاوت «فعل و ترک»
- ۱۰۴ حقیقت رأی: معین بودن (مُعَيَّنَات)
- ۱۰۵ غیر اختیاری بودن اصل رأی
- ۱۰۶ ویژگی‌های صاحب اختیار شدن بنده
- ۱۰۷ معنای دقیق «امرُ بین الامرین»
- ۱۰۸ معنای «ما تَشَاوُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ»
- ۱۰۹ تفکیک «اصل مشیت» از «تعلق گرفتن مشیت به فعل و ترک»
- ۱۱۱ منزله‌ای بین جبر و قَدَر
- ۱۱۳ مُحال عقلی بودن تفویض
- ۱۱۴ مجوس بودن مَفْوُضَه
- ۱۱۵ اطلاق قدریه به جبریه و مَفْوُضَه
- ۱۱۷ بالله بودن استطاعت بنده
- ۱۱۹ اختیاری نبودن بهره‌مندی از نور رأی
- ۱۱۹ بهره‌مندی از نور رأی: اختیار کردن
- ۱۲۰ بیان امام صادق علیه السلام در توضیح امرُ بین الامرین
- ۱۲۱ شرح امام هادی علیه السلام درباره‌ی سخن امام صادق علیه السلام
- ۱۲۳ نفی جبر در کلام امام هادی علیه السلام
- ۱۲۳ نفی تفویض تشریحی
- ۱۲۴ اثبات عجز خداوند در فرض تفویض (تکوینی و تشریحی)
- ۱۲۷ بخش سوم: ربوبیت تکوینی و تشریحی خداوند
- ۱۲۹ فصل ۱: خصال هفت‌گانه در تکوینات
- ۱۲۹ وقوع هر شیء در عالم با هفت ویژگی
- ۱۳۰ مسبوق بودن وقوع هر چیز به چهار مرحله
- ۱۳۰ مشیت: آغاز فعل الهی
- ۱۳۱ معنای مصدری و معنای حاصل مصدری «مشیت»
- ۱۳۲ مشیت در افعال اختیاری انسان
- ۱۳۴ مشیت مخلوق خداوند

فهرست مطالب □ ۱۱

۱۳۵	مشیت: خلق خداوند
۱۳۶	معنای مصدری و معنای حاصل مصدری «اراده»
۱۳۷	اراده در افعال اختیاری انسان
۱۳۸	معنای حاصل مصدری اراده‌ی انسان
۱۳۹	سه معنا برای «اراده‌ی انسان»
۱۴۰	تفاوت استطاعت «اراده» با استطاعت «عمل جوارحی»
۱۴۲	قبح فاعلی (و نه فعلی) تجزی
۱۴۳	جدا بودن حساب گناه از اراده‌ی آن
۱۴۴	خارج بودن استطاعت از حوزه‌ی علم و قدرت فاعل
۱۴۵	تحقق عزم و اراده‌ی فعل با وجود عدم استطاعت بر فعل خارجی
۱۴۵	«اراده» به معنای «فعل» خداوند
۱۴۷	دو معنای دیگر «اراده»ی خداوند
۱۴۷	جایگاه و ظرف اراده‌ی خداوند
۱۴۹	کتاب مبین: قلب مقدّس امام <small>علیه السلام</small>
۱۴۹	حدوث مشیت و اراده‌ی خداوند
۱۵۱	معنای مصدری و حاصل مصدری «تقدیر»
۱۵۲	تقدیر علمی و عینی در افعال انسان
۱۵۳	تقدیر علمی و عینی خداوند در امور تکوینی
۱۵۳	دو مصداق قضاء در افعال انسان
۱۵۵	دو معنای «قضاء» در افعال خداوند
۱۵۶	دو معنای امضا در احکام بشری
۱۵۷	امضاء الهی در قضاء تکوینی
۱۵۸	امضاء الهی در قضاء تشریحی
۱۶۰	مقصود از کتاب، اجل و اذن در خصال هفت‌گانه
۱۶۱	فصل ۲: خصال هفت‌گانه در افعال اختیاری انسان
۱۶۲	«مشیت» اعمال اختیاری بندگان
		مشیت خدا نسبت به سجده نکردن ابلیس و خوردن آدم <small>علیه السلام</small> از شجره‌ی

۱۶۳ ممنوعه
۱۶۴ غلبه‌ی مشیت خدا بر مشیت حضرت آدم <small>عَلَيْهِ السَّلَامُ</small> و حضرت ابراهیم <small>عَلَيْهِ السَّلَامُ</small>
۱۶۶ مشیت الهی به دو معنا: «رأی» و «خلق صورت فعل»
۱۶۷ ثبوت علمی معصیت بندگان
۱۶۸ «اراده»ی اعمال اختیاری بندگان
۱۶۹ «اراده»ی اختیار نه «اراده»ی حتم
۱۷۱ مشیت و اراده‌ی تشریحی نسبت به اعمال اختیاری بندگان
۱۷۲ مشیت امر و مشیت علم
۱۷۳ مشیتة یشاء و مشیتة لا یشاء
۱۷۵ معنای اختصاصی «و ماتشأؤون الا أن یشاء الله»
۱۷۶ اهل بیت <small>عَلَيْهِمُ السَّلَامُ</small> ، وعاء مشیت و اراده‌ی تشریحی خداوند
۱۷۷ تقدیر علمی اعمال اختیاری بندگان
۱۸۰ تقدیر عینی اعمال اختیاری بندگان از سوی خداوند
۱۸۱ خلق تقدیری اعمال اختیاری بندگان
۱۸۲ تعریف دقیق تقدیر عینی فعل اختیاری بنده از جانب خدا
۱۸۳ تقدیر فعل بنده از طریق تقدیر قدرت انجام و ترک آن
۱۸۴ معنای صحیح قضای تکوینی الهی در فعل اختیاری بنده
۱۸۵ نفی قضای حتم و قدر قطعی در افعال اختیاری بندگان
۱۸۶ قضای تشریحی خداوند در افعال اختیاری بندگان
۱۸۸ تقدیر تشریحی خدا در افعال اختیاری بندگان
۱۸۸ رابطه‌ی قضا و قدر تشریحی خدا با یک‌دیگر
۱۸۹ قضا و قدر خدا، ضامن سلطه و حاکمیت او
۱۹۱ فصل ۳: اذن، توفیق و خذلان الهی در افعال اختیاری بندگان
۱۹۱ وقوع همه‌ی افعال اختیاری بندگان به اذن خدا
۱۹۲ مانع نشدن بدون رضایت داشتن
۱۹۳ اجازه‌ی تکوینی و تشریحی خدا
۱۹۴ توفیق و خذلان در طاعت و معصیت

۱۹۵ احسان اوّل خدا به بنده: اقدار و تمکین
۱۹۶ احسان دوم خدا به بنده: توفیق الهی
۱۹۷ لزوم استعانت از خداوند در امور
۱۹۸ کافی نبودن توان بدون توفیق الهی
۲۰۰ تعیین کننده بودن توفیق و خذلان الهی
۲۰۱ میسر نبودن طاعت بدون توفیق
۲۰۲ واقع نشدن ترک گناه بدون توفیق
۲۰۳ رابطه‌ی توفیق و خذلان با مشیت و اراده
۲۰۴ رابطه‌ی توفیق و خذلان با قضا و قدر
۲۰۵ کتاب و اجل خدا در افعال اختیاری
۲۰۷ بخش چهارم: عدل و فضل الهی در عالم تشریح
۲۰۹ فصل ۱: معنای شرّ تشریحی
۲۰۹ معنای شرّ تشریحی
۲۱۱ شر بودن فاعل به سبب شر بودن فعل
۲۱۲ شر بودن فعل به خاطر ماهیت آن
۲۱۳ خالق خیر و شر بودن خداوند
۲۱۴ معنای صحیح خالق خیر و شر بودن خدا
۲۱۶ نفی اسناد شر به خداوند
۲۱۷ اسناد همه‌ی خیر و شر به خداوند
۲۱۸ تداخل نداشتن خالقیت خدا و بنده در خیر و شر
۲۱۹ شرّیت افعال اختیاری شیطان
۲۲۰ تمکین و اذن تکوینی خدا به شیطان
۲۲۱ رضایت نداشتن خداوند به اضلال شیطان
۲۲۱ شرّیت شیطان به سبب افعال شرّ او
۲۲۳ فصل ۲: عفو و عقوبت الهی در دنیا
۲۲۳ عدل و فضل خدا در مورد گناهان بندگان

- ۲۲۴ تفضّل، بنای اولیّه‌ی خدا در رفتار با بندگان
- ۲۲۶ آشکار شدن فساد به خاطر فراوانی گناه
- ۲۲۶ تأثیر گناهان در عالم تکوین
- ۲۲۷ سلب نعمت: عقوبت گناه
- ۲۲۸ مصیبت‌ها: اثر گناهان
- ۲۲۹ تخفیف در عقوبت به سبب وجود پاکان
- ۲۲۹ شر بودن عقوبت الهی
- ۲۳۱ عقوبت یا عفو بنده: نتیجه‌ی عدل یا فضل خدا
- ۲۳۱ عدل مقدّمه‌ی فضل و عدل بدون فضل
- ۲۳۲ ملاک شرّیت عقوبت: دوری از رحمت خدا
- ۲۳۳ انتساب زشتی عقوبت به بنده، نه به خدا
- ۲۳۳ عقوبت همراه با عذاب و بدون عذاب
- ۲۳۴ جمع‌بندی اقسام عدل و فضل خدا در دنیا
- ۲۳۵ حالت اول: عفو کامل گناه بنده
- ۲۳۶ حالت دوم: عقوبت عذاب‌آور، مقدّمه‌ی فضل الهی
- ۲۳۷ حالت سوم: عقوبت عذاب‌آور بدون فضل
- ۲۳۸ حالت چهارم: عقوبت بدون عذاب (استدراج)
- ۲۳۹ حالت پنجم: تأخیر در عقوبت الهی
- ۲۴۰ پاداش کافر پیش از مرگ
- ۲۴۱ پاداش اعمال خیر کافران
- ۲۴۳ اختیار مطلق خدا در عفو یا عقوبت بنده
- ۲۴۴ خیریت شرور کیفری از جهت انتساب به خدا
- ۲۴۴ حکمت اول: ایجاد خوف در بنده برای پرهیز از گناه
- ۲۴۵ حکمت دوم: به خود آمدن بنده و ترک گناه
- ۲۴۶ حکمت سوم: پاک شدن از گناهان
- ۲۴۶ نبود شرور کیفری برای اهل بیت علیهم‌السلام
- ۲۴۷ حکمت مصائب اهل بیت علیهم‌السلام
- ۲۴۸ قابل کشف نبودن وجه بلاها با علم بشری

۲۵۱ فصل ۳: عفو و عقوبت الهی در آخرت
۲۵۱ عفو و عقوبت در برزخ و قیامت
۲۵۲ عذاب‌آور بودن عقوبت اُخروی
۲۵۲ مقایسه‌ی خوشی و عذاب دنیا با خوشی و عذاب قیامت
۲۵۴ تطهیر مؤمن با عذاب اُخروی
۲۵۵ اقسام عفو و عقوبت خدا در آخرت
۲۵۶ قابل نکوهش نبودن خدا به سبب اعمال عقوبت اُخروی
۲۵۷ حالت اول و دوم: عقوبت نشدن در برزخ و قیامت
۲۵۸ پاک‌شدن برخی مؤمنان تا قبل از وقت مرگ
۲۵۸ پاک‌شدن بعضی مؤمنان با بلاهای هنگام مرگ
۲۵۹ حالت سوم: پاک‌شدن مؤمن با عذاب برزخی
۲۵۹ حالت چهارم: چشیدن کافر بخشی از عقوبتش را در قبر
۲۶۰ ترس کافر از عذاب قیامت
۲۶۰ حالت پنجم: پاک‌شدن مؤمن با تحمل سختی‌های قیامت
۲۶۲ حالت ششم: پاک‌شدن مؤمن با آتش دوزخ
۲۶۳ ابدی نبودن عذاب مؤمن به سبب شفاعت اهل بیت <small>علیهم‌السلام</small>
۲۶۵ حالت هفتم: خلود کافر در عذاب قیامت
۲۶۵ مصادیق کافر خالد در عذاب
۲۶۶ اشکال مطرح‌شده درباره‌ی خلود در آتش
۲۶۷ محدودیت غیراختیاری انسان در طاعت و معصیت
۲۶۸ نیت، تنها وسیله‌ی سنجش درجه‌ی طاعت و معصیت
۲۶۹ خلود در بهشت و جهنم به سبب نیت
۲۷۰ درجات ادراک و وجدان زشتی گناه
۲۷۱ استحقاق مغفرت نداشتن بدون وعده‌ی الهی
۲۷۲ استحقاق همه‌ی عقوبت‌های خدا به سبب قصد ارتکاب گناه
۲۷۳ عذاب ابدی، شایسته‌ی همه‌ی گناه‌کاران
۲۷۴ نجات نیافتن بدون عفو خدا

۲۷۵	تخفیف عذاب کافر در آتش
۲۷۶	حرام بودن بهشت بر مشرکان
۲۷۷	شفاعت، بالاترین فضل الهی در قیامت
۲۷۹	شش گروه مردم
۲۸۱	مؤمنان اهل وعده‌ی بهشت
۲۸۲	کافران اهل وعید جهنم
۲۸۴	مؤمنان مخلوط کننده‌ی نیک و بد
۲۸۵	غیرمؤمنان مخلوط کننده‌ی نیک و بد
۲۸۷	به تأخیرافتادگان برای امر خدا
۲۸۷	مستضعفان
۲۹۶	اصحاب اعراف
۲۹۹	بخش پنجم: بسط ید الهی
۳۰۱	فصل ۱: بداء
۳۰۱	معنای لغوی بداء
۳۰۲	استشهاد به قرآن برای اثبات بداء خداوند
۳۰۳	بداء یا محو و اثبات خداوند
۳۰۵	پیمان گرفتن خدا از پیامبران به خاطر بداء
۳۰۶	اعتقاد به بداء: بالاترین مرتبه‌ی بندگی خدا
۳۰۷	بدا در افعال انسان
۳۰۹	بداء خداوند: نه از سر جهل
۳۱۰	علم ذاتی خدا: منشأ بدا
۳۱۱	علم ذاتی و علم مخلوق خداوند
۳۱۲	مراحل خلق نظام تکوین توسط خدای متعال
۳۱۵	امور موقوفه نزد خداوند
۳۲۱	کتاب مبین یا امام مبین
۳۲۲	محو و اثبات در امّ الکتاب
۳۲۴	نوشته شدن وقایع در لوح محفوظ

۳۲۴ امکان محو و تغییر در لوح محفوظ
۳۲۵ امام <small>علیه السلام</small> عالم به لوح محفوظ
۳۲۶ امکان بدا در امر محتوم
۳۲۷ قابل بدا بودن مقدرات شب قدر
۳۲۹ شرط بدا برای مقدرات شب قدر
۳۳۰ تقدیر، قضا و امضا در سه شب قدر
۳۳۲ بداء الهی در مورد عذاب قوم یونس <small>علیه السلام</small>
۳۳۳ امضاء احکام قطعی در شب قدر
۳۳۶ جمع‌بندی بحث بدا در احکام الهی
۳۳۹ فصل ۲: تردّد خداوند
۳۳۹ اختلاف نظر بزرگان در معنای حدیث تردّد
۳۴۰ اوّلین حدیث تردّد در کتاب کافی
۳۴۱ معنای لغوی تردّد
۳۴۲ تردّد انسان در کارش
۳۴۳ تردّد خداوند در کارش
۳۴۴ تردّد خدا در قبض روح بنده‌ی مؤمن
۳۴۵ توقیف امضاء حکم و انتظار فرشتگان
۳۴۶ قبول ردّ بنده توسط خدای متعال
۳۴۷ امکان تحقّق نیافتن محبوب خداوند
۳۴۸ لقاءالله مؤمن، محبوب خداوند
۳۴۹ کراهت خداوند از ناراحتی مؤمن
۳۵۱ راضی کردن مؤمن به مرگ توسط خداوند
۳۵۲ علّت کراهت بندگان صالح از مرگ
۳۵۳ لقاءالله کافر، مکروه خداوند
۳۵۴ مرگ، بستر لقاءالله
۳۵۶ کراهت مؤمن از مرگ، نه لقاءالله
۳۵۷ ادامه‌ی حیات یا مرگ با رضایت مؤمن

۳۵۷	ادامه‌ی حیات مؤمن در دنیا
۳۵۸	تغییر قضاء و قدر الهی به میل بنده!
۳۶۴	معنای «أَنَا فَأَعْلُهُ»
۳۶۵	دعای مؤمن برای مشمول حدیث تردّد شدن
۳۶۷	تردّد خداوند در عقوبت بنده‌ی مؤمن
۳۶۹	تردّد خداوند به دو علت
۳۷۰	استمرار تردّد خداوند
۳۷۱	پاداش خدا برای بلای نازل نشده
۳۷۲	شش مرحله‌ی لطف خدا به بنده‌ی گناه‌کار
۳۷۳	نامحدود بودن قدرت الهی بر چگونگی تطهیر بنده‌ی گناه‌کار

فصل ۳: سعادت و شقاوت ۳۷۵

۳۷۵	معرفی سعید و شقی در قرآن
۳۷۶	سعادت و شقاوت انسان در شکم مادر
۳۷۷	کتاب یا علم مخلوق الهی
۳۷۸	علم مخلوق: منطبق بر اعمال اختیاری بندگان
۳۷۹	باز بودن راه سعادت برای شقی
۳۸۰	شقاوت اختیاری اشقیا
۳۸۱	آگاهی پیامبر اکرم <small>صلی الله علیه و آله</small> از سعدا و اشقیا
۳۸۲	مطابقت کتاب الهی با سرنوشت سعدا و اشقیا
۳۸۳	وعده‌ی الهی برای عاقبت به خیری سعید
۳۸۳	باز بودن راه برگشت برای اشقیا
۳۸۴	حقیقت سعادت و شقاوت
۳۸۵	نقش ایمان و کفر در سعادت و شقاوت

فهرست منابع ۳۸۷

پیش‌گفتار

طبق آموزه‌های قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام دو اصل «توحید» و «عدل»، اساس دین و بندگی خدای متعال هستند. پس معرفت صحیح نسبت به این دو پایه‌ی اساسی برای هر انسان متدینی لازم و ضروری است.

به لطف الهی مباحث تفصیلی در مورد این دو رکن رکن دینداری در شش حلقه از «سلسله مباحث اعتقادی» از همین قلم به رشته‌ی تحریر درآمد. بحث توحید در سه حلقه‌ی ۳ و ۴ و ۵ مطرح شده که خلاصه‌ی آن‌ها تحت عنوان «توحید در کتاب و سنت» در یک مجلد آماده‌ی چاپ و نشر گردیده است. مباحث عدل الهی نیز در سه حلقه‌ی ۶ و ۷ و ۸ طرح گردیده که خلاصه‌ی آن‌ها همین کتاب حاضر (عدل در کتاب و سنت) می‌باشد.^۱ عناوین این سه حلقه عبارتند از:

حلقه‌ی ششم: عدل در عالم تکوین

حلقه‌ی هفتم: عدل در عالم تشریح

حلقه‌ی هشتم: حریت و فضل الهی

کتاب «عدل در کتاب و سنت» شامل امّهات بحث عدل الهی است که آشنایی با

۱. البته بخش دوم از حلقه‌ی هشتم تحت عنوان «فضل الهی به اهل ایمان، مورد تلخیص قرار نگرفته است تا حجم این کتاب از اندازه‌ی مورد نظر فراتر نرود. علاقمندان به مطالعه در این باب به خود حلقه‌ی ۸ مراجعه فرمایند.

آن‌ها برای افراد اهل مطالعه در مباحث اعتقادی ضروری به نظر می‌رسد. علاقمندان به مباحث عمیق‌تر باید به حلقه‌های ۶ و ۷ و ۸ مراجعه فرمایند. اهمّ عناوین این کتاب عبارتند از:

- شمول عدل الهی در همه‌ی عالم
- تعارض نداشتن عدل الهی با شرور تکوینی و تشریحی
- «قدرت» و «رأی» در انسان و خداوند
- «مشیت»، «اراده»، «تقدیر»، «قضا» و «امضا» در افعال انسان و خدای متعال
- توفیق و خذلان الهی در افعال اختیاری بندگان
- عفو و عقوبت خداوند در دنیا و آخرت
- «بدا» و «تردد» در افعال الهی
- «سعادت و شقاوت» پیشینی بندگان

آماده‌سازی این کتاب نیز بر عهده‌ی برادر فرهیخته و ارجمند آقای دکتر سید محمد هادی صدرالحفاظی بوده که در این‌جا از زحمات ایشان سپاس‌گزاری می‌نمایم. بدیهی است که این کتاب جایگزین کتاب «پرتو عدل» می‌شود که در سال ۱۳۹۴ ه.ش. منتشر شده بود. امیدوارم در این ایام عزای سیدالشهدا علیه‌السلام و یاران گران‌قدر ایشان، این تلاش ناچیز مقبول پروردگار متعال واقع شود و در مسیر آشنایی با معارف قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام مفید فایده قرار گیرد.

سید محمد بنی هاشمی

۱۳ محرم الحرام ۱۴۳۴

۳۱ مرداد ماه ۱۴۰۰

مقدمه: اساس دین

وقتی به محضر امام صادق علیه السلام عرضه می‌شود که «إِنَّ أَسَاسَ الدِّينِ التَّوْحِيدُ وَ الْعَدْلُ»، ایشان سخن گوینده را تأیید می‌فرمایند و سپس هر یک از این دو اصل اساسی را با عباراتی فشرده و پرمغز، چنین توضیح می‌دهند:

توحید، به این است که آن چه بر تو رواست، برای پروردگارت، روا نشماری و عدل به این است که آن چه را [خداوند] به خاطر انجام دادنش، تو را سرزنش کرده، به خالق خود نسبت ندهی.^۱

اصل توحید

در مورد اصل توحید، روشن است که قوام آن، به نفی تعطیل و نفی تشبیه از ذات مقدس پروردگار است؛ یعنی در عین این که باید وجودش را اثبات و از حدّ نفی و تعطیل خارجش کنیم، نباید ویژگی‌ها و صفات مخلوقات را برای او روا بشماریم. پس حفظ توحید، وابسته به نفی تشبیه از خالق مخلوقات است و تشبیه وقتی نفی می‌شود که هیچ یک از اوصاف خلق را به خالق آن‌ها نسبت ندهیم. مقصود امام صادق علیه السلام که فرموده‌اند: «آن چه بر تو رواست، برای پروردگارت روا ندانی» همین است که ذات مقدس ربوبی را «منزه و مبرّا از هرگونه اتصافی به اوصاف مخلوقات» بدانیم. (نفی تشبیه)

اصل عدل

عادل دانستن خدا به این است که «به او چیزهایی را که به خاطر انجام دادن آنها تو را سرزنش کرده، نسبت ندهی».

قدر مسلم و متیقن این امور، کارهایی است که عقل، زشتی یا حرمت آنها را روشن می‌کند. به عنوان مثال ما انسان‌ها به نور عقل، قبح «ظلم کردن» را درمی‌یابیم و انجام دهنده‌ی آن را سرزنش می‌کنیم. خداوند هم به دلیل حجیت ذاتی عقل، ظالم را به سبب ارتکاب ظلم، ملامت فرموده است. حال اگر به هر بهانه و جهتی، ظلم را به خدای متعال نسبت دهیم، در واقع او را ظالم دانسته‌ایم و از مسیر اصل «عدل» خارج شده‌ایم؛ همین طور است اگر هر امر ناشایست دیگری را به خدا نسبت دهیم. این ناشایستگی دوگونه است:

یا به نور عقل کشف می‌شود که در این صورت از قبیل مستقلات و نبایدهای عقلی خواهد بود یا این که زشتی آن را به راهنمایی و هدایت شرع درمی‌یابیم که در این صورت، از قبیل غیرمستقلات عقلی می‌شود.

وجوب و حرمت عقلی و شرعی

توجه شود که آنچه را براساس شرع (قرآن و روایات) زشت و حرام می‌دانیم، متکی به مستقلات عقلی‌اند. به طور کلی، ریشه‌ی وجوب و حرمت شرعی، وجوب و حرمت عقلی است. اگر کسی قائل به وجوب و حرمت عقلی نباشد، وجوب و حرمت شرعی را هم نمی‌تواند بپذیرد. به عنوان مثال، ترک نماز خواندن را شرعاً حرام می‌شماریم. ریشه‌ی این امر، حرمت مخالفت با امر و جویی پروردگار است که به نور عقل روشن می‌شود. اگر (به فرض محال) عدم اطاعت و امتثال نکردن امر الهی، عقلاً حرام نبود، دلیلی برای حرمت ترک نماز وجود نداشت. این عقل است که وجوب و لزوم اطاعت از اوامر الهی را برای ما روشن می‌سازد و همین کشف عقلانی، پایه و اساس حرمت ترک نماز است. پس قائل شدن به اموری که عقلاً حرام به شمار می‌آیند، ما را به پذیرفتن اموری که شرعاً حرام‌اند نیز ملزم می‌کند.

نسبت ندادن گناهان به خداوند

بر این اساس، می‌توان گفت که خداوند ما را به سبب انجام دادن دوگونه فعل سرزنش می‌کند: یکی کارهایی که حرمت عقلی دارند و دیگر اموری که حرمت آنها از طریق شرع روشن می‌شود. حال اگر هر کدام از این کارهای زشت و حرام را به خالق خود نسبت دهیم، از مسیر اعتقاد به «عدل» در حق او خارج شده‌ایم. بنابراین اگر «ظلم» را به خدای خود نسبت دهیم، خلاف عدل بودنش روشن است، پس اگر گناهان خود را به خداوند، منسوب بدانیم و به نوعی خود را در انجام دادن آنها بی‌تقصیر بدانیم (چه گناهانی که فقط حرمت شرعی دارند و چه اموری که هم عقلاً و هم شرعاً حرام‌اند). در این صورت، خداوند را ظالم دانسته و از اعتقاد به عدالت او خارج شده‌ایم.

می‌دانیم که خدای متعال به خاطر انجام دادن گناهان، ما را مستحقّ کیفر دانسته و تهدید به مجازات نموده است. حال اگر معتقد شویم که ما در ارتکاب گناهان خود بی‌تقصیریم و خدا ما را مجبور به انجام دادن آنها کرده است، در این صورت، برای خداوند روا دانسته‌ایم که ما را برای کارهایی که در ارتکابش مقصّر نبوده‌ایم، شایسته‌ی ملامت و کیفر بشمارد و این اعتقاد، نسبت دادن ظلمی بزرگ به پروردگار متعال است. به این ترتیب، از مسیر عادل دانستن خداوند، خارج می‌شویم. از این جا روشن می‌شود که اعتقاد به «جبر» در مورد افعال اختیاری بندگان، با «عدل» الهی در تضاد است. نمی‌توان به عدالت خدا وفادار ماند و در عین حال قول به «جبر» را پذیرفت.

متهم نکردن خدای متعال

در فرمایش امیرالمؤمنین علیه السلام نیز مطالب بالا با عبارت دیگری بیان شده است. ایشان در تعریف توحید و عدل، چنین فرموده‌اند:

التَّوْحِيدُ أَنْ لَا تَتَوَهَّمَهُ وَالْعَدْلُ أَنْ لَا تَتَّهَمَهُ^۱.

۱. بحارالانوار / ۵ / ۵۲. نیز: خصائص الائمة عليهم السلام / ۱۲۴ و اعلام الوری / ۲۹۱.

توحید آن است که او (خدا) را توهم نکنی و عدل این است که او را متهم نسازی.

توهم کردن خدا به این است که صورت فکری و ذهنی به او داده شود و این امر، فرع بر تشبیه خداست. تا کسی خداوند را به خلقش تشبیه نکند، نمی تواند صورت فکری از او در ذهن بیاورد. تصوّر پذیری او، نتیجه تشبیه اوست. پس لازمه نفی تشبیه، نفی توهم نسبت به خداست. از این رو، «توحید» را به «نفی توهم در مورد خدا» تعریف کرده اند.

عدل را نیز به نفی اتهام از خداوند دانسته اند. اتهام به این است که امر قبیحی به خدا نسبت داده شود. آنچه عقل، اسنادش را به خداوند قبیح می شمارد باید از او نفی شود و به این ترتیب پروردگار متعال را از هرگونه اتهامی منزّه خواهیم دانست. نفی اختیار بندگان و نسبت دادن گناهان آنها به خدای عزوجل مصداق روشنی برای متهم دانستن اوست که منافی با اصل عدل است.

اساس دین: توحید و عدل

«دین» در لغت به معنای گونه ای از انقیاد و خاکساری و اطاعت کردن است.^۱ بنابراین دین داری بنده در پیشگاه الهی، به معنای انقیاد و خاکساری و اطاعت کردن بنده در برابر خداست؛ آن گونه که او می پسندد.

دین یا دین داری بر دو رکن اساسی بنا می شود: یکی معبود و دیگری عابد. اولاً باید خدایی را بشناسیم که شایسته عبادت شدن است و ثانیاً باید بنده ای مختاری وجود داشته باشد تا از سر حرّیت، خدا را عبادت کند.

پس اساس و پایه دین، یکی معرفت خدا و اعتقاد به الوهیت اوست و دوم بنده ای که با آزادی و اختیار، معبود خود را عبادت کند. لازمه دینداری، انجام تکالیفی است که با فرض مختار بودن بنده، معنا پیدا می کند و ثواب و عقاب الهی در مورد افعال اختیاری نیز به تبع همین تکالیف، قابل فرض و پذیرش می شود. همه ای اینها فقط با

۱. معجم مقاییس اللّغة / ۲ / ۳۱۹.

قبول اصل «عدل» امکان پذیر می‌گردد. اگر کسی منکر اختیار بندگان باشد و گناهان آنها را به خدا منسوب بداند، اصل عدل را انکار کرده است. چنین کسی نه تکالیف دین (امر و نهی‌ها) را می‌تواند بپذیرد و نه کیفر و پاداشی را که به دنبال آنها می‌آید. روشن است که در این صورت اصلاً «دین داری» تحقق پیدا نمی‌کند.

با این توضیحات، «اساس دین» بودن توحید و عدل برای ما روشن می‌شود. اما آنچه گفتیم، براساس درک اجمالی از مفهوم «عدل» بود که همه‌ی ما از آن برخورداریم. توضیح دقیق‌تر درباره‌ی مفهوم «عدل الهی» و لوازم آن، متوقف بر تفکیک عالم تکوین از عالم تشریح است.

تفکیک عالم تکوین از عالم تشریح

معیار اصلی در جداسازی این دو عالم از یکدیگر، اختیار داشتن بندگان خداست. اگر خدا، مخلوق مختاری نداشت، همه‌ی مخلوقات، تکوینی بودند و اصلاً عالم تشریحی تحقق پیدا نمی‌کرد. وجود بنده‌ی مختار و افعال اختیاری او، عالم تشریح را از عالم تکوین جدا می‌سازد. کلمه‌ی «تشریح» به معنای قرار دادن راه و شریعت و به طور خلاصه، قانون‌گذاری است. وقتی موجود مختاری نباشد، «تشریح» معنا ندارد و لوازم آن هم مطرح نمی‌شود. تشریح را می‌توان از جهتی مساوی با «تکلیف کردن» دانست و لوازم آن در درجه‌ی اول، امکان اطاعت یا معصیت کردن فرد مکلف است و در درجه‌ی بعد، فرض پاداش یا کیفری است که مترتب بر طاعت و معصیت می‌شود. همه‌ی این‌ها در قلمروی عالم تشریح قرار می‌گیرند. با این توضیحات، می‌توانیم تعریف اجمالی و دقیقی از هر دو عالم تکوین و تشریح ارائه کنیم.

کلمه‌ی «تکوین» به معنای «محقق ساختن» است و مراد از «عالم تکوین» مجموعه‌ی موجوداتی است که به اختیار بندگان، تحقق پیدا نمی‌کنند و نتیجه‌ی اعمال اختیاری آنان هم نیستند. به این ترتیب، وجود روح و بدن ما به عالم تکوین تعلق دارد و همین‌طور وجود سایر انسان‌ها، حیوانات، گیاهان، جمادات و...، همه متعلق به عالم تکوین‌اند.

اما اموری که یا اختیاری بندگان‌اند و یا نتیجه‌ی اعمال اختیاری بندگان‌اند، از عالم

تکوین خارج بوده، به «عالم تشریح» تعلق دارند؛ مانند ثواب و عقاب الهی که نتیجه‌ی مستقیم افعال اختیاری بندگان است.

فاعل و خالق ثواب و عقاب، خود خداست؛ اما اگر طاعت و معصیت بندگان نبود، نه ثوابی در کار بود و نه عقابی، لذا بودن این‌ها نتیجه‌ی اعمال اختیاری بندگان خداست. بخشی از این ثواب‌ها و عقاب‌ها ممکن است در دنیا محقق شود؛ یعنی بندگان خدا قسمتی از پاداش طاعات یا کیفر معاصی خود را پیش از مرگ دریافت کنند. به عنوان مثال، باران رحمت الهی به سبب انجام گرفتن خیراتی در یک سرزمین نازل شود یا بلا و مصیبتی مانند زلزله در اثر معصیت‌های برخی بندگان در یک جا واقع شود. البته تشخیص این‌که کدام باران، ثواب طاعت بندگان خدا یا کدام بلا، عقوبت معصیت آنان است، با علم عادی بشری ممکن نیست. بنابراین، خط‌کشی روشنی میان همه‌ی امور تکوینی و تشریحی نمی‌توان کرد. باید پذیرفت که دو عالم تکوین و تشریح با این‌که از جهت معیار و ملاک، ضابطه‌ی روشن و قابل تشخیصی دارند، از جهت مصادیق، به روشنی از هم تفکیک پذیر نیستند و به نوعی درهم تنیده‌اند، ولی ما چون روی معیارها و ملاک‌ها بحث می‌کنیم، نیاز به تشخیص و جدا کردن همه‌ی امور تکوینی و تشریحی از یک‌دیگر نداریم و در قلمروی تعیین مصادیق، وارد نمی‌شویم.

بخش اول

عدل و فضل الهی در عالم تکوین

فصل ۱

معانی عدل و فضل الهی

عدل به معنای «استواء»

اولین قدم در بررسی «عدل الهی» توجه به معنای لغوی کلمه‌ی «عدل» است. با مراجعه به «معجم مقاییس اللغة» به دو اصل (ریشه) در معنای «ع، د، ل» بر می‌خوریم: عین و دال و لام دو ریشه‌ی صحیح هستند اما این دو با هم تقابل دارند، همانند [دو تعبیر] متضاد [با یکدیگر]، یکی از آن دو، بر «استواء» و دیگری بر «اعوجاج» دلالت می‌کند.^۱

«استواء» در نقطه مقابل «اعوجاج» و ضد آن است و فعل «عَدَل» به هر دو معنا به کار می‌رود.^۲ مصدر «عَدَل» هم برای هر دو معنا کاربرد دارد.^۳

«استواء» در زبان عرب در جایی به کار می‌رود که چیزی در مسیر صحیح خود، رشد موزون و مناسب و بدون کجی و انحراف داشته باشد، مانند انسانی که به مرحله‌ی جوانی و رشد جسمی و عقلی کامل خود می‌رسد و در به کمال رسیدنش، وقفه و انحرافی رخ نمی‌دهد.^۴ در این صورت می‌توان گفت که فرد به «استواء» رسیده است.

۱. معجم مقاییس اللغة / ۴ / ۲۴۶.

۲. همان / ۲۴۷.

۳. کتاب العین / ۲ / ۳۹، الضحاح / ۵ / ۱۷۶۱.

۴. لسان العرب / ۱۴ / ۴۱۴ نیز: تهذیب اللغة / ۱۳ / ۸۵.

روشن است که وقتی سخن از «عدل الهی» می‌گوییم، مقصودمان همین معنا از «عدل» (استواء) است. یعنی به طور خلاصه می‌خواهیم بگوییم که خداوند در خلقت موجودات (عالم تکوین) و نیز در رفتارش با بندگان مختار خویش (عالم تشریح)، «استواء» را رعایت فرموده و از هر نوع اعوجاجی در این دو حوزه، مبرّی و منزّه می‌باشد. به نظر می‌آید معانی دیگری که برای لغت «عدل» بیان شده، کاربردهای مختلف همین معنای اصلی باشد.

معنای عدل الهی در عالم تکوین

با توجه به ریشه‌ی لغوی «عدل»، می‌توان گفت: عدالت خداوند در عالم تکوین به معنای «مستوی» قرار دادن مخلوقات است که در زبان عرب، «تسویه» نامیده می‌شود.^۱

قرآن کریم به این حقیقت مشهود گواهی می‌دهد، آن‌جا که می‌فرماید:

الَّذِي خَلَقَ فَسَوَّى.^۲

[پروردگارت] آن کسی که [اشیاء را] آفرید، پس [آن‌ها را] مستوی قرار داد. مقصود از «مستوی» قرار دادن مخلوقات، رعایت حساب و کتاب، نظم دقیق و تناسبی است که در خلقت موجودات با هدفی که دارند، اعمال شده است. اگر این امور رعایت نمی‌شد، «اعوجاج» در مخلوقات الهی راه پیدا می‌کرد که ضدّ عدالت خداست. با این ترتیب باید گفت: عدل الهی در عالم تکوین یعنی این که در مخلوقات، نظم و حساب و کتاب دقیقی اعمال شده که هر کدام را برای آن چه برای آن خلق شده‌اند، آماده و مهیا می‌سازد؛ مثلاً اگر در بدن انسان، چشم قرار داده شده که وسیله‌ی دیدن است، این چشم در جایی قرار گرفته که دیدن را ممکن می‌سازد. اگر چشم انسان در کف پای او قرار گرفته بود، جای مناسبی برای ابزار دیدن نبود؛ هم‌چنین است اگر مثلاً گوش انسان که وسیله‌ی شنیدن است، زیر بغل او قرار داده می‌شد! ما می‌بینیم همه‌ی

۱. لسان العرب / ۱۴ / ۴۱۵. نیز: المحکم / ۸ / ۶۴۰، تهذیب اللغة / ۱۳ / ۸۸.

۲. الاعلی / ۲.